نسیم جنوب

www
nasimjonoub
COM

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۰۴

سه شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)



آبودان...
همدردیم و شریکیم
توی این غم

اشک ماتم برای آبادان

مردم بوشهر با عزاداری و نواختن سنج و دمام
با مردم آبادان همدردی نمودند

ویژه روز جهانی محیط زیست

فریاد زمین را نادیده نگیریم!



زنده نگهداشتن امید هواداران فوتبال در استان بوشهر

صعود تیم فوتبال شاهین بندر عامری به لیگ یک

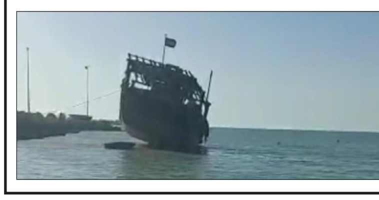
خطر در پلاژ بوشهر

قابل توجه اعضاء شورای شهر بوشهر، عزیزان نیروی انتظامی، فرمانداری و آتش نشانی و حوادث غیرمترقبه ی استانداری!

اخیرا در محیط پلاژ جفره جایی که بچه های خردسال و احیانا برخی خانم ها به همراه فرزندانشان برای تفریح به آب می زنند، چندین لنج گودال به عمق ۴ متر و بیشتر حفر کرده اند.

بچه ها و والدین بی خبر از این تغییرات عمقی آب در پلاژ ممکن است خدای ناکرده به کام دریا فرو روند و فاجعه ای ناگوار رخ دهد.

لزوم رسیدگی مسؤولین به این موضوع پیش از رخ دادن حادثه الزامی است. (شهروند بوشهری)



بررسی و شناسایی آثار واجد ارزش ثبت میراث‌طبیعی در بوشهر

با حضور دکتر علی قمی رییس ثبت و حفاظت میراث‌طبیعی در استان، درختان واجد ارزش و کهنسال برای ثبت در فهرست آثار طبیعی شناسایی می‌شوند.



انتقال زباله های جزیره خارگ به بندر بوشهر

ابراهیم بهبهانی

اخیرا مشاهده شده است که زباله های جزیره خارگ پس از حمل با دوبه های بزرگ به بوشهر، شبانه با کامیون های متعدد به محل دفن زباله واقع در جاده نیروگاه بعد از تنگک سوم منتقل می شود و این در حالیست که بندر بوشهر خود یک شبه جزیره محدود است و از دفن و آتش زدن و امحا زباله های متعلق به خود هم عاجز است و مردم از عوارض آن در رنجند زیرا باعث آلودگی آب و هوا و محیط زیست می شود.

در تمام دنیا اینکار برای سلامتی شهروندان مضر تشخیص داده شده و اقدام به ساخت کارخانه های بازیافت زباله کرده اند.

آیا برای جزیره ای که نود درصد از صادرات نفت کشور از آن جا انجام می شود، مقدور نیست که شرکت نفت یک کارخانه بازیافت زباله احداث نماید؟

شهر بوشهر هم که خدا را شکر شهر فقیری نیست به کارخانه پیشرفته بازیافت نیاز دارد.

مردم از استاندار و مدیران محیط زیست انتظار دارند تا وارد عمل شده و این کار را سامان دهند.

تنبلی یا مهاجرت کتاب‌خوان‌ها؛ بوشهری‌ها چگونه نخوان‌ترین شدند؟

کتاب و کتابخوانی در توسعه و پیشرفت نقشی انکارناپذیر است تا جایی که کارشناسان، رشد و بالندگی جوامع را با تعداد کتابخانه‌ها، تیراژ کتاب، میزان سرانه مطالعه مقایسه می کنند.

می توان توسعه و رشد را بدون در نظر گرفتن میزان سرانه مطالعه مورد بررسی قرار داد به همین خاطر، کتاب و کتابخوانی از مقوله های مهم و قابل توجه فرهنگی است که ترویج آن در جامعه، بسیار ضروری به نظر می رسد. طرح آمارگیری از فرهنگ رفتاری خانوار از طرح‌های آماری جدید مرکز آمار ایران است که با هدف شناخت فعالیت‌ها و رفتارهای فرهنگی خانوارها و استفاده از آن برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور طراحی شده است. این آمارگیری در سال ۱۳۹۹، برای افراد ۱۵ساله و بیشتر به گونه‌ای طراحی شده است که نتایج به تفکیک تمام استان‌ها قابل ارائه است.

طبق گزارش مرکز آمار ایران، استان بوشهر با ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه در ماه کمترین سرانه مطالعه را در سال ۱۳۹۹داشته است.

تجاری و مرز بودنِ بوشهر

به‌یقین جغرافیای و فرهنگ هر ملت در کنش افراد آن بی‌تاثیر نیست و می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای جامع را تعیین کند.

یک مدرس دانشگاه در گفت و گو ایسنا در خصوص این که بوشهر چگونه کمترین ساعت کتابخوانی را در کشور دارد، اظهار کرد: تجاری و مرز بودنِ بوشهر نمی‌تواند در رسیدن به این رتبه کتابخوانی بی‌تأثیر باشد. کنش بوشهر به سمت و سوی اقتصاد و داد و ستد و مبادله و معامله بوده و خواهد بود. این از عمیق‌ترین دلیل‌هایی است که درصد کمتری از بوشهر نسبت به دیگر استان‌ها متمایل به خواندن کتاب هستند.

بشیر علوی اضافه کرد: به طور کلی بوشهر در دیگر مؤلفه‌ها نیز چندان روبه جلو و پیشرو نیست. در گرانی نیز رتبه مناسبی نداریم و همین طور در حضور نیروی انسانی در بدنه اصلی هیات دولت یا معاونان وزیر، رتبه بدی در دست داریم. در میزان اختصاص بودجه و... نیز بوشهر جایگاه خوبی ندارد.

مهاجرت کتابخوان‌ها از بوشهر

این مدرس دانشگاه فرهنگیان بوشهر با اشاره به مهاجرت افراد کتابخوان استان بوشهر، تصریح کرد: از دیگر عوامل قعرنشینی این استان در حوزه کتابخوانی، مهاجرت کتابخوانان از بوشهر به پایتخت یا شهرهای مدرن‌تر و پیشروتر است.

علوی بابیان این که باور و همت هر فرد برخاسته از ناخودآگاه جمعی و حافظه‌ی تاریخی جامعه است، خاطر نشان کرد: این موضوع به میزان رشد فرهنگ مطالعه و افزایش تعداد کتابخوانان آن جامعه تاثیرگذار است.



عقب ماندگی از امکانات شهری

وی عنوان کرد: در سنت و گذشته جامعه بوشهر با توجه به عقب ماندگی سال‌های دورش از هرگونه امکانات شهری، اداری و فرهنگی، ریشه‌ی نخواندنِ کتاب، کمبودِ و نبودِ آن در سرانه‌ی مصرفی بوشهر و بوشهری‌ها عمیق و طولانی است. این سستی نسل به نسل به امروز رسیده که نتیجه‌اش این رتبه مملو از شرمساری است.

خودشیفتگی و تنبلی

این نویسنده ادامه داد: از دیگر علت‌ها را می‌توان خود شیفتگی جامعه بوشهر دانست که بسامد ثروت در آن بالاست. ثروت در بطن خود می‌تواند خودشیفتگی با خود همراه کند. خود شیفتگی قومی و فرهنگی سبب شده است نوعی احساس سیری و اشباع شدگی کاذب درونمان را فرا بگیرد. این سیری و اشباع شدگی، فرد را تشنه و جویای دانایی و فهمیدن نمی کند و چندان کتاب را نمی‌بینند.

علوی تاکید کرد: جامعه بوشهر، یک جامعه تنبل است. این ادعا را می‌توان با حضور فراوان نیروی کار خارج از استان در بوشهر به اثبات رسانید. این تنبلی و بی حالی و پشت میزنشینی در نرفتن به سمت و سوی مطالعه بی تأثیر نیست. تنبلی تاریخی، ما را به امتناع از مطالعه کردن کشانده است.

وی افزود: مردمان بوشهر دچار نوعی کرختی خود خواسته شده اند. بی حالی و تن آسایی در همه‌ی منافذ زندگی جامعه بوشهر جریان یافته است. مطالعه و وقت گذاشتن به آن، نوعی همت، توان و عزم می‌طلبد. در جامعه‌ای که کرختی بهره آن باشد، همت به خواندن مطالعه افول می کند.

جامعه بوشهر، ذهنی بسیط دارند

این مدرس دانشگاه گفت: جامعه بوشهر، ذهنی بسیط دارند. این امر در ساده سازی امور زندگی به‌شدت تأثیرگذار است. این ساده سازی در اموری مانند مطالعه نیز نقش داشته است و از این بابت و با این ذهن بسیط گونه‌ی ساده انگارانه، کمتر به طرف مطالعه و کتاب خواندن می‌رویم.

علوی اضافه کرد: از دردهای دیگر ذهن بسیط، بی توجهی به تناقضات درونی خود است. در جامعه‌ای که اینچنین زیست می کنند، درد تناقض درونی و چیستی زندگی را دریافت نمی کنند و این مسأله در سوق ندادن افراد به امر مطالعه برای رفع تناقضات درونی تأثیر شگرفی دارد.

وی بابیان این که از ریشه‌های کمبود مطالعه در بوشهر، خانوده است، اظهار کرد: خانواده عامل بسیار مهمی در ترویج عادات به مطالعه و فرهنگ کتاب خوانی است. یک خانواده بی کتاب، به‌شدت در تولید یک نسل بی کتاب تأثیر می گذارد. خانواده‌ای که محیطی یا ساحتی برای نگهداری کتاب در زندگی خود ندیده، هزینه‌ای برای خرید کتاب جدا نکرده و وقتی برای خواندن کتاب کنار نگذاشته، خروجی این خانوده، نسلی بدون کتاب است.

خودزنی بوشهری!

دو نماینده قدیمی استان بوشهر یعنی شاهین و ایرانجوان به ترتیب به دسته دوم و سوم سقوط کردند تا فوتبال بوشهر افول عجیبی را به خود ببیند.

به گزارش ایسنا، رفت و آمدهای زیادی در فوتبال بوشهر در فصل اخیر رخ داد و شاهین شهرداری و ایرانجوان بوشهر، دو تیم ریشه‌دار این استان به دسته‌های پایین‌تر سقوط کردند. شاهین در فاصله ۳ هفته مانده به پایان لیگ، سقوطش به دسته دوم مسجل شد و ایرانجوان با یکی از بدترین عملکردهای یک تیم در تاریخ لیگ دسته دو، دسته سومی شد.

افول فوتبال در بوشهر

نام استان بوشهر برای فوتبالی‌ها با نام‌هایی چون مهدی طارمی، مهدی قایدی، حسین ماهینی، برادران کریمیان و کلی ستاره دیگر مترادف می‌شود. بازیکنانی که از دل این استان به بالاترین سطح از فوتبال اروپا و آسیا رسیده‌اند. استانی که حالا از نظر فوتبالی روز به روز ضعیف‌تر می‌شود و در گرمای سوزان جنوب کشور، ستاره‌هایش یکی یکی در حال ناپدید شدن هستند. مهدی کریمیان، سرمربی بوشهری تیم فوتبال شاهین بندعامری که امسال توانست این تیم را به لیگ یک بیاورد، در گفت‌وگو با ایسنا درباره عملکرد ضعیف بوشهری‌ها در سال‌های اخیر گفت: چرخه صعود و سقوط در هر لیگی طبیعی است و به هر حال یک سری تیم‌ها صعود و یک سری دیگر سقوط می‌کنند. چیزی که در خصوص شاهین و ایرانجوان ناراحت کننده است، عملکرد مسئولانی است که می‌توانستند این تیم‌ها را کمک کنند. شاهین و ایرانجوان در بوشهر تنها مانده‌اند و رها کردن این دو باشگاه سبب شده تا تزریق فوتبالیست‌های مستعد بوشهری به دل فوتبال ایران هم کم شود.

سقوط تلخ شاهین شهردار و ایرانجوان

کریمیان اضافه کرد: انگار دل‌شان نمی‌خواهد برای این تیم‌ها هزینه کنند. مگر ۲۰، ۳۰ میلیارد تومان در وضعیت فعلی پولی است که سر آن بخواهد امید یک استان کم شود. بوشهر یکی از قطب‌های اقتصادی کشور است و یک ششم سرمایه ایران در بوشهر است؛ آن وقت اندازه ۲۰ میلیارد پول برای دو تیمی که امید و انگیزه جوانان بوشهری هستند، پیدا نمی‌شود؟ تیم ما با بودجه پایینی بسته شده و دم این دوستان گرم که حاضر شدند برای رسیدن به هدف‌شان هزینه کنند. چنین چیزی در خصوص شاهین و ایرانجوان از بین رفته که این خوب نیست.

این به معنای مرگ تدریجی فوتبال بوشهر است و تنها راه نجات دست مسئولین استانی است که قبول مسئولیت کردند که این استانف جوان‌هایش، امید و انگیزه‌اش را حفظ کنند و آن را سر پا نگه دارند.

بی‌مسئولیتی حتی برای صعود

البته استان بوشهر در لیگ یک بی نماینده نماند و شاهین بندر عامری توانست ۳ هفته زودتر از پایان رقابت‌های دسته دوم، صعودش را به لیگ یک جشن بگیرد تا کریمیان فصل بعد را در یک سطح بالاتر مربیگری کند. سرمربی شاهین بندر عامری در خصوص صعود تیمش عنوان کرد: شاهین عامری با بازیکنانی از دل همین استان توانست چنین چیزی را رقم بزنند.

من فوتبالیست بودم و حالا هم مربی فوتبال هستم. وظیفه‌ام است که بروم گوشه به گوشه شهر را دنبال استعدادها بگردم. در همین زمین‌های خاکی بوشهر بازیکنانی را دیدم که همین الآن لیاقت پوشیدن پیراهن تیم ملی را دارند. پرداختن به این جوانان که استعداد خالص هستند، فقط کمی زمان و کمی هزینه می‌خواهد؛ اتفاقی که در شاهین بندر عامری افتاد و نتیجه‌اش را هم دیدیدم.

او ادامه: اما نمی‌دانم متاسفانه مسئولان استانی بوشهر چه‌کار می کنند. نه تنها یک ریال به ما کمک نکردند حتی موقع صعود و یا حتی بعد از صعود سری هم به بازیکنان و اعضای تیم نزدند. انگار نه انگار که سال بعد، این تیم تنها نماینده استان در لیگ یک است. با چنین رفتاری که من دیدم، عمر شاهین و ایرانجوان خیلی زیاد نیست و فکر نمی کنم این‌ها بخواهند یا حتی بتوانند تیم‌داری کنند.

به عنوان یک بوشهری، دوست دارم شاهین و ایرانجوان را همیشه در اوج ببینم اما با عملکرد چنین مسئولانی که این دو باشگاه را به حال خود رها کرده‌اند، بعید می‌دانم. مقصر اصلی این قضیه هم مسئولان بوشهری هستند و ریشه این تیم‌های قدیمی به دست خودمان تیشه خورده است.

سکونت و سکینت ما و زمین

دکتر طالب موذنی



روان‌درمانگران به راحتی صداهای لطیف مشتریان خود از کودکان زخمی و خانواده های از هم گسیخته و بیماران روانی گرفته تا صدای ناخودآگاه جمعی را می شنوند و آموزش دیده اند که چگونه بشنوند و چگونه تشخیص بدهند. ولی صدای زمین چطور؟ اگر زمین که مسکن تمام بشر در تمام زمان ها بوده، مسایل و مصائبی داشته باشد کسی می تواند بشنود؟ کسی آموزشی برای شنیدن چنین صدایی دیده است؟

«تئودور روزاک» تاریخدان، فیلسوف و رمان‌نویس کتابی دارد با عنوان «صدای زمین» و معتقد است که درمانگران در برابر مهمترین صدای درونی همه (ناخودآگاه بوم شناختی) ناشنوا هستند و چه بسا که واقعیت های اکولوژیکی بزرگ که روان ما را احاطه کرده‌اند مهمتر باشند. چون که روح ما ممکن است نجات یابد ولی زیست کره خاکی در حال فروپاشی است.

«روزاک» در این کتاب راه حل مشترکی برای کاستی های روان درمانی مدرن و محیط گرایی پیشنهاد می کند: «اکوسایکولوژی یا روانشناسی محیط زیست»، روشی جدید برای نگریستن به تجربه انسانی که طبق آن جستجو برای خودشناسی در مسیر سلامت زیست محیطی قرار می گیرد.

او می گوید که بقای تمدن ما به یافتن شیوه‌ای از زندگی بستگی دارد که آهسته‌تر، منعکس کننده تر، غیرمتمرکزتر و دموکراتیک‌تر باشد. از نظر «روزاک»، چنین شیوه‌ای، عمیق‌ترین نیازهای بشر را بهتر از صنعت‌گرایی و مصرف‌گرایی، موتورهای دوقلو که تمدن مدرن را پیش می‌برند، پاسخ می‌دهد. او نتیجه می گیرد که اکولوژی (بوم شناسی) به روانشناسی نیاز دارد و روانشناسی هم به اکولوژی.

نویسنده کتاب درخواستی پرشور و پیچیده از ما می‌کند که وضعیت محیط زیست را خیلی «شخصی‌تر، تهدیدکننده‌تر و رادیکال‌تر» از بلاها و بدبختی‌های مختلفی که در اخبار روزانه می شنویم، به حساب بیاوریم.

او می گوید خیلی بیشتر از آن دردهای جسم و روان که ما برای درمان به پزشکان و درمانگران مراجعه می کنیم، نشانه‌های اورژانسی کره خاکی است که دارد در نزدیک ترین سطح زندگی ما ثبت می‌شود. زمین درد می کند و دردش به ما می دهد و روزی می رسد که آرامش درونی ما وابسته به شفای زمین می شود.



دکتر سعید معدنی، دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی:

هراس ایرانیان از مُدرنیته



– مهم‌ترین ویژگی جامعه ایران در تاریخ معاصر چیست؟

– اگر تاریخ معاصر را بازه زمانی یکصد سال اخیر در نظر بگیریم، به باور من مهم‌ترین ویژگی جامعه ایران «هراس از مدرنیته» است که در هر دوره و زمانی به نحوی ظهور و بروز پیدا کرده است. واکنش اکثریّت جامعۀ ایرانی مقابل این دستاورد بشری منفی و یا منفعلانه بوده است. گاهی از آن به عنوان «فرنگی و فرنگی‌مآب» یاد شده و یا در مفهوم «غرب و غربزدگی» نمود و بروز پیدا کرده است. این نوع برخورد با مُدرنیته و ترس و واهمه از آن موجب عقب‌ماندگی تدریجی جامعۀ ما شده است. این در حالی است که برخی کشورهای آسیایی مثل ژاپن و کره و مالزی و سنگاپور و ... با این پدیده سنجیده و عقلانی‌تر برخورد کرده و از آن در جهت توسعه و پیشرفت کشورشان سود برده‌اند. از همان سال‌های نخست، ظهور مدرنیته که دستاورد بشری – به دست غربی‌ها – بود، ما با این پدیده به صورت مشکوک برخورد کردیم و اکثریّت جامعه از نمادها و نمودهای آن هراس داشتند؛ برای مثال، با مجلس قانون‌گذاری مخالفت می‌شد و یا با وسایل ارتباط جمعی مثل روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره و فضای مجازی از سوی بخش سنتی جامعه ایران مخالفت می‌شد و از آن هراس داشتیم و داریم. البته عناصری همیشه بودند که با مدرنیته عقلانی برخورد می‌کردند اما در اقلیت بوده و در مصاف با اکثریّت سنتی «ضدّ مدرنیته» توان مقابله نداشتند. به نظر می‌رسد در سالهای اخیر، گسترۀ این «هراس» در بخش‌هایی از جامعه کاهش پیدا کرده و نسل امروز مدرنیته را امری جهانی دانسته و معادل غربزدگی نمی‌دانند.

– مهم‌ترین تغییرات اجتماعی ایران معاصر از دید شما کدام است؟

– به باور من سه تغییر مهم در چند دهۀ اخیر در ایران رخ داده‌اند:

اول، مهاجرت از روستا به شهر و گسترش شهرنشینی و فرهنگ شهری. حتی بسیاری از روستاها به واسطۀ وجود شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی، در برخی ابعاد از فرهنگ و امکانات شهری برخوردارند.

دوم، افزایش تحصیلات به‌ویژه تحصیلات تکمیلی به واسطۀ گسترش دانشگاه‌های مختلف در ایران پس از انقلاب اسلامی. گسترش بی‌رویۀ دانشگاه‌ها به باور کارشناسان، گرچه بعضاً موجب کاهش کیفیّت دانشگاه شده، اما باز هم در بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی دهه‌های اخیر نقشی تاثیرگذار داشته است.

دو عامل افزایش تحصیلات عالیه و رشد شهرنشینی تغییر سوم «کاهش نرخ باروری و کاهش رشد جمعیت» را به‌وجود آورده‌اند. نکته قابل توجه این است که روند کاهشی جمعیت و گسترش شهرنشینی در ایران شبیه کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته است

– چه مفهومی مهم‌ترین خصوصیّت تغییرات اجتماعی ایران را وصف می‌کند؟

– مهم‌ترین خصوصیّت تغییرات اجتماعی در ایران معاصر به باور من بهشکل خیلی بطیء و زیرپوستی، گسترش تدریجی نوعی «سکولاریزم» در میان اقشار و لایه‌های مختلف جامعۀ ایران است که از چند دهه قبل شروع شده و در حال گسترش است. به نظر می‌رسد این پدیده در تحوّلات اجتماعی آیندۀ ایران نقشی تاثیرگذار داشته باشد. این نوع باور هم در بین دانشگاهیان، هم حوزوی‌ها هم دیگر بخش‌هایی از جامعه در حال گسترش است.

– روندهای اصلی تغییرات اجتماعی کنونی ایران کدام‌اند؟



-بالارفتن تحصیلات مردم، بویژه تحصیلات زنان؛ حضور و فعّالیّت اجتماعی روزافزون و قدرتمند زنان، به‌رغم همۀ محدودیّت‌ها و موانع موجود؛ بالا رفتن سن ازدواج؛

کاهش فرزندآوری و کاهش بُعد خانوار؛

آشنایی روز افزون با جوامع دیگر و بالا رفتن آگاهی و اطّلاعات عمومی، به واسطۀ مسافرت به سایر کشورها و یا حضور در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی.

– برای شخص شما کدام خصوصیت این تغییرات، امیدآفرین و کدام، بیم‌آفرین‌اند؟

– برای شخص من حضور اجتماعی زنان است که می‌تواند نویدبخش جامعه‌ای پویا در آیندۀ ایران باشد. همان نقشی را که زنان پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافتۀ اروپا بازی کردند.

در مقابل، احساس بی‌آینده‌گی، فرسودگی و ناامیدی در بین جوانان به‌واسطۀ گسترش فقر و سقوط تدریجی طبقۀ متوسّط به طبقۀ محروم، یکی از نگران‌کننده‌ترین دغدغه‌های جامعۀ ایران است که باید برای آن چاره‌ای اندیشیده شود.

منبع: انجمن جامعه شناسی ایران

yun.ir/uv۳ggc

زندگی آگاهانه

موانع درونی موفقیت: ترس

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



گاندی وقتی برای اولین بار می‌خواست در رستورانی در لندن برای جمع کوچکی سخنرانی کند از شدت ترس بیهوش شد. کسی که بعدا رکوردار سخنرانی برای بزرگترین اجتماع بشری شد.

ترس باعث می‌شود ما دست به کار جدید یا در شرایط جدید نزنیم. جایی که خطری واقعی ما را تهدید نمی‌کند ولی ما می‌ترسیم.

ترس یکی از هشت احساس پایه‌ای انسان و پستانداران نزدیک به انسان است. می‌توان گفت احساس ترس بیشترین سهم را در زنده ماندن انسان داشته است. نیاکان غارنشین ما با احساس ترس از حمله درندگان، خزندگان، گیاهان سمی، بلایای طبیعی و قبایل ناشناس خود را در امان نگه می‌داشته‌اند. در کنار ترس‌های شناخته شده، هر شرایط جدید و ناشناخته‌ای هم برای آنها ایجاد ترس می‌کرده است. حیوان یا گیاهی ناشناخته، قبیله‌ای ناشناس، مکانی جدید و خلاصه هر شرایطی که قبلا تجربه نکرده بودند برایشان ترسناک بود. چون ممکن بود این خطرات جان آنها را بگیرد.

بعد از آخرین عصر یخبندان در دوازده هزار سال پیش انسان بصورت تدریجی توانست با یکجانشینی و کشاورزی تسلط بیشتری روی طبیعت داشته باشد. یعنی آن زندگی پر از خطرات جانی را به زندگی کم‌خطرتر در جوامع بزرگتر ساخته دست خود عوض کرد. این تغییر زندگی از این منظر دو خروجی داشته است. نخست این که خطرات جانی در آن به شدت پایین‌تر آمده ولی شرایط نامشخص و عدم قطعیت به شدت بالا رفته است. در نتیجه با اینکه ما زندگی امن‌تری داریم شرایط ترسناک غیر واقعی بیشتری را تجربه می‌کنیم. چون مغز ما از شرایط ناشناخته و عدم قطعیت می‌ترسد و این شرایط امروزه به شدت زیاد شده است.

مکانهای جدید مانند شهرها، خیابانها و اداراتی که قبلا نرفته‌ایم. افرادی که هر روز برای اولین بار می‌بینیم. کارهایی که تا کنون انجام نداده‌ایم. تجمعاتی که قبلا شرکت نکرده‌ایم حتی یک مراسم ختم یا عروسی یا جشن تولدی که کسی در آن نمی‌شناسیم برای ما ابتدا کمی ترسناک است. البته این ترس ممکن است خود را به شکل اضطراب، خجالت و کمرویی یا کامل گرایی نشان دهد. ولی اغلب باعث می‌شود دست به اقدام نزنیم.

ترس از اقدام باعث می‌شود همواره در منطقه امن خود بمانیم. هر کار جدیدی مستلزم خروج از منطقه امن است. منطقه امن جایی است که ما احساس ترس کمتری می‌کنیم چون فقط کارهایی را انجام می‌دهیم که قبلا تجربه آن را داشته‌ایم. بنابراین رشد و پیشرفت هم اتفاق نمی‌افتد. از طرفی چون موفقیت کسب نمی‌کنیم زندگی مان همواره کوچکتر می‌شود و در نتیجه ترسهایمان هم بیشتر می‌شود.

وقتی بپذیریم که هر مهارت جدیدی نیاز به تمرین، تکرار، خراب کردن و شکست دارد تا آن را یاد بگیریم، به خود فرصت اشتباه و یادگیری می‌دهیم. همچنین وقتی بدانیم ترسیدن در شرایط ناشناخته طبیعی است و به این احساس‌مان خودآگاهی داشته باشیم با وجود ترس دست به اقدام می‌زنیم. خواه صحبت در یک جمع باشد، خواه اجرای یک قطعه هنری یا درخواست حقوق از مدیرمان باشد.

شاید بزرگترین راه حل کاهش ترس و خروج از منطقه امن اقدام با وجود ترس باشد. عمل به جمله معروف «بترس ولی انجامش بده». در این صورت همواره از مشکلات و ترسهایمان بزرگتر می‌شویم.

چند پیشنهاد برای موفقیت شاهین بندر عامری

فرزان اسدی - روزنامه نگار



فوتبال در بوشهر با زندگی مردم عجین است. پیر و جوان و زن و مرد هم نمی شناسد همه و همه عاشق تیمهای محبوبشان هستند. با این حال فوتبال این شهر با وجود استعدادهای فراوان فوتبالی و منابع مالی عظیم حوزه نفت، گاز، پتروشیمی همواره با فراز و نشیب‌های متعددی همراه بوده است که تلخ ترین آن هم سقوط ۲ تیم فوتبال شاهین شهرداری بوشهر و پارس جنوبی جم از لیگ برتر است که پیامدهای منفی سنگینی برای فوتبال بوشهر و هواداران این تیم‌ها داشته و خواهد داشت. هر چند تیم شاهین بوشهر طعم تلخ سقوط را یک بار دیگر در لیگ یازدهم تجربه کرده بود و امید می‌رفت با عبرت گرفتن از این شکست، در حضور دوباره خود در لیگ برتر تیمی کامل آماده و مقتدر نشان دهد اما این مهم محقق نشد و برخلاف آن با نتایجی ضعیف تر به دسته یک سقوط کرد. هواداران برای این تیمها عاشقانه حضور داشتند و چیزی کم نگذاشتند گرما و شرجی و سرمای مرطوب استخوان سوز، هم مانع از حضور و تشویق های پیاپی این تیمها نشد اما این تمام کار نبود، این تیمها از اساس شاکله سیستم اداری نداشتند.

اگر پول را که از ارکان مهم این باشگاه هاست به کناری بگذاریم، رکن مهم و تاثیرگذار در هر باشگاهی ساختار اداری آنهاست که متاسفانه در اکثر تیمهای شهرستانی و علی الخصوص بوشهر یا وجود ندارد و یا اگر هم وجود داشته باشد ساختار دست و پا شکسته ای است.

اکنون شاهین بندرعامری، تیم ریشه دار دیگر از استان بوشهر با حدود ۵۰ سال قدمت ، مجددا قدم به لیگ یک نهاده است و پیشنهاد می گردد در صورت خواستن موفقیت موارد زیر را داشته باشد :

۱- دویدن به دنبال پول و نامه به استانداری و فرمانداری و نماینده مجلس و... و قولهای دروغین سیاسیون در برنامه کاری تیم شاهین بندرعامری نباشد (گرفتن کمک هزینه یا داشتن منابع مالی بسیار مهم است اما منظور این است که دریافت آنها از این افراد مبادا تنها کورسوی بقای این تیم باشد وگرنه گرفتن پول حق همه تیمها و به خصوص تیمهای راه یافته می باشد)

۲- ساختارسازی و خارج شدن مدیریت تیم از حالت هیئتی، مثلا داشتن حسابرس جدا، سخنگوی جدا و به طور کل اصولی پیش برود.

۳- تا قبل از ورود اسپانسرهای مناسب و خاص به ویژه از متمکنین منطقه پیدا نماید تا با این خیل عظیم تماشاگر و هوادار این تیم بتواند از جدول خود به لیگ برتر صعود نماید.

راهکارهای موفقیت شاهین بندر عامری در لیگ یک فوتبال کشور

مهدی صالحی زاده خبرنگار نسیم جنوب:



با توجه به این که تیم های ایرانجوان و شاهین شهرداری بوشهر به دست سوم و دوم فوتبال ایران سقوط نمودند، «تیم پارس جنوبی» هم مکان خوبی در جام آزادگان کسب نکرد، غم فوتبالی سراسر استان را فرا گرفت. عدم اسپانسر قوی، مدیریت ناکارآمد، بازیکنان و مربی بی تجربه باعث این موضوع گردید.

در این میان تیم فوتبال شاهین بندرعامری با صعود به لیگ دسته اول فوتبال ایران، تا حدودی از غم مرگ فوتبال بوشهر کاست.

امید است مسئولین تیم شاهین عامری با رعایت اصول اولیه تیم داری (اسپانسر قوی)، مدیریت کارا و دلسوز، بازیکنان شایسته و باتجربه و مربیان فهمیم و امتحان پس داده، در لیگ آزادگان موفق باشند و مانند تیم های شاهین شهرداری و ایرانجوان دل مردم را خون نکنند. تنها تیم لیگ برتری استان بوشهر تیم فوتبال ساحلی دریانوردان بوشهری می باشد که امید است مسئولین استانی، به داد این تیم شایسته برسد.

در این شماره از نقطه نظرات مربیان، پیشکسوتان فوتبال بوشهر و ورزشی نویسان بهره مند شدیم که این توصیه های مهم را به حضور خوانندگان هفته نامه نسیم جنوب تقدیم می کنیم.

نماینده جدید استان بوشهر در لیگ یک را تنها نگذارید

رضا ابراهیمی پیشکسوت فوتبال: داستان



امسال تیمهای شاهین شهرداری و ایرانجوان بوشهر با تمام فراز و نشیب ها به پایان رسید. موضوع مهم این که همه تیمهای حاضر در لیگ سعی در تامین بودجه می کنند تا بلکه امتیازی برای شهرشان بگیرند. اما در شهر بوشهر که خود یکی از قطبهای فوتبال ایران است و با داشتن منابع عظیم نفت وگاز و... کمترین حمایت از تیمهای ورزشی می شود. از طرفی بی توجهی مدیران استانی یکی از عوامل سقوط تیمهای ریشه دار و مردمی بوشهر می باشد.

و اما در خصوص تیم قدرتمند شاهین بندر عامری؛ انتظار می رود که متولیان ورزش و مدیران استان از همین الان نه از فردا و با این پتانسیل بالا و داشتن شرکتهای بزرگ نفتی و پتروشیمی و سایر شرکتهای مستقر در استان بوشهر فکری به حال تیم قدرتمند شاهین بندر عامری کنند. تا به سرنوشت شاهین شهرداری ایرانجوان و حتی پارس جنوبی دچار نشوند. لذا از مردم و تمام مدیران دلسوز استدعا داریم که این نماینده جدید استان بوشهر در لیگ یک را تنها نگذارند. واقعا برای استان بوشهر خجالت آوره که یک نماینده در لیگ برتر ندارد در صورتی که استان کرمان چند تیم دارد. به امید روزی که بوشهر هم یک نماینده در لیگ برتر داشته باشد.

قهرمانی تیم شاهین عامری در لیگ دسته فوتبال کشور

نعمت امین‌نژاد خبرنگار



ورزشی: تیم شاهین عامری در لیگ دسته فوتبال کشور در سه هفته مانده به پایان مسابقات لیگ فوتبال دسته دوم کشور قهرمان شد.

این تیم بعد از دو سال مبارزه و جنگیدن در لیگ دسته دوم فوتبال، که البته سال قبل نیز حقش بود به لیگ دسته اول بیاید، توانست با مدیریت خوب باشگاه و همدلی و یکپارچگی بین بازیکنان و کادر فنی و همچنین تشویق های تماشاگران و هواداران با تعصب و با اتحاد و انسجام تیمی، این راه را با اقتدار و با موفقیت مثال زدنی، طی کرد و همچنین، با این قهرمانی توانست قله افتخار فوتبال لیگ دسته دوم کشور را فتح کند. بهرحال این تیم مردمی بوده و هست که با زحمات مدیریت باشگاه و بدون حتی کمک های دولت و هیات فوتبال و اداره ورزش استان بوشهر، توانست به این مهم بزرگ دست پیدا کند و به آرزوهای مردم شریف تنگستان و همچنین مردم خوب بندر عامری و خصوصا ورزش فوتبال استان جامعه عمل بپوشاند.

بی شک این مدیریت با نظم خاصی و دوستی و محبتی که بین کادر فنی و باشگاه و بازیکنان ایجاد کرده بود و با عشق به این پیروزی دست پیدا کردند. که واقعا باید به تمامی این عزیزان یک خسته نباشید جانانه گفت. این تنها تیم روستایی از دیار دلیران مردان شهید رییسعلی دلواری و خطه تنگستان است که با اتحاد، دست بدست هم دادن تا باز قله افتخارات فوتبال ایران را فتح کنند که کاری کردند کارستان.

شاهین بندر عامری در لیگ فوتبال دسته یک جام آزادگان

محسن گنبدی پور:



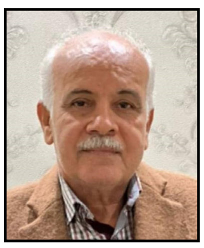
در فصل آینده لیگ دسته یک فوتبال جام آزادگان استان بوشهر تیم فوتبالی را به لیگ دسته یک می فرستد که در فصل گذشته جام حذفی کشور مقابل تیم فوتبال پر آوازه پرسپولیس تهران در ورزشگاه شهید مهدوی بوشهر به میدان رفت علیرغم شکست مقابل پرسپولیس و حذف از جام حذفی کشور بازی خوبی از خود به نمایش گذاشت شاید با این بازی به مردم علاقمند و فوتبال دوست میهن معرفی کرد. در این فصل که در لیگ دسته دوم کشوری حاضر شد که با بازیهای خوب و گرفتن نتایج عالی در مقابل رقیبان خود به صدر جدول رسید و یکی از مدعیان لیگ دسته یک فوتبال به حساب آمد.

تیم فوتبال شاهین بندر عامری با درخشش بسیار عالی و زحمات کادر فنی به این مهم دست یافت و صعود مقتدرانه ای داشت تا در فصل آینده برابر تیمهایی چون سایپا تهران استقلال خوزستان خیبر خرم آباد و پارس جنوبی حاضر شود و بزرگنمایی کند. امیدواریم تیم فوتبال شاهین بندر عامری بتواند جایگزین خوبی به جای شاهین شهرداری بوشهر باشد.

از مسئولان استان و دست اندرکاران در زمینه ورزش استان استدعا می شود با توجه به منابع و ذخایر نفتی که در استان وجود دارد تیم تازه راه یافته شاهین بندر عامری را حمایت و پشتیبانی کنند زیرا این تیم با زحمات زیاد و با دست خالی به این مهم دست یافت و به دسته یک کشور صعود کرد. با آرزوی موفقیت برای تیم فوتبال شاهین بندر عامری در لیگ فوتبال دسته یک و صعود به لیگ برتر فوتبال. انشالله

از تیم های موفق الگو بگیرید

عباس ارجمندی، پیشکسوت فوتبال: پیروزی



بزرگ و شایان توجه شاهین بندر عامری و ورود این باشگاه به لیگ فوتبال دسته یک را به مدیر، سرپرست، کادر فنی، بازیکنان و مردم بوشهر تبریک عرض می کنم. جهت صعود به مراحل بالاتر فوتبال باید یک سری فاکتورهایی را در نظر داشت و در عمل آنها را اعمال نمود. اساسی ترین آنها عبارتند از انتخاب یک مدیر ورزشی و فوتبالی با دانش و مورد اعتماد که بتوان با وی ثبات مدیریت را داشت و به منابع مادی ومالی قوی دسترسی پیدا کرد و یک مجموعه قوی را گردآوری نمود. یک مدیر موفق باید مجموعه ای با دانش و هماهنگ را گردآوری کند تا بتواند استفاده بهینه را از ابزارهای موجود ببرد زیرا فوتبال یک کار گروهی است و برای موفقیت باید تمام اعضای گروه دانش، مهارت و توانایی این کار بزرگ را داشته باشند. استفاده از سرمربی و کادر فنی مجرب و با دانش، بدنساز با علم روز، آنالیز و قوی و یک روان شناس ورزشی در دستور کار قرار گیرد تا موجبات موفقیت بیشتر تضمین گردد. استفاده از بازیکنان خلاق، با تکنیک و تاکتیک پذیر که بتوان با گرفتن بازی خوب از آنها به انسجام تیمی و گروهی رسید. باشگاه‌های استان می توانند از بین باشگاه‌های موفق استانهای دیگر برای مثال استان کرمان، الگوسازی نموده و راهکارهایی را برای تعامل و گفتگو با مسئولین باشگاه‌هایی نظیر گل گهرسیرجان و یا مس رفسنجان و فرستادن یک تیم تحقیق و تفحص به آن استان در نظر گرفت تا از نزدیک با شرایط و علل موفقیت آنها آشنا شد و مورد استفاده قرار داد. آرزوی همه ورزشکاران و ورزش دوستان استان موفقیت شاهین بندرعامری و حضور دوباره دو باشگاه مردمی و ریشه دار شاهین بوشهر و ایرانجوان بوشهر و همچنین پارس جنوبی جم در لیگ های بالاتر فوتبال ایران است.

پرواز شاهین بندر عامری با افق های بلند

سعید درویشی پیشکسوت فوتبال: باعرض



تبریک و شادباش خدمت مجموعه مدیریت باشخصیت و کاردان وهمه ارکان و زیرمجموعه با کیفیت و با درایت و هواداران متعصب و با غیرت شاهین بندرعامری، شاید در حال حاضر در این بی سر وسامانی و سال سیاه فوتبال بوشهر و شکستن دل هزاران هوادار متعصب تیم های هم استانی که سالی های نه چندان دور در کشور عرضه اندام می کردند، درمقابل تیم های صاحب نام و به عنوان کارخانه بازیکن ساز معرفی شده بودند، صعود شاهین بندر عامری مرهمی باشد بر زخمهای دل هواداران. حضور مدیر جوان باشخصیت و سالم بدون واسطه و دلال و استفاده از افرادی خوشنام و باتجربه دربدنه تیم و کادری مجرب و منسجم و همدل و باسواد عامل اصلی صعود می باشد.

باید پایان مسابقات شروع فصل جدید قلمداد شود. نگه داشتن اسکلت و شاکله تیم راه یافته وانتخاب و اضافه کردن بازیکنان در نقاط مورد نیاز، نگه داشتن کادر با کیفیت کنونی و تشکیل اتاق فکر و استفاده از کارشناسان و صاحبان امر در این زمینه، پشتوانه مستحکم که همان حضور تیم های پایه برای آینده این تیم محبوب و قابل احترام و از همه مهمتر مسئولیت که بردوش متولیان استان و شخص ارشد ورزش و نمایندگان درمجلس که باحمایت همه جانبه بتواند نماینده شایسته برای استان باشد.

با آرزوی موفقیت وسربلندی تیم شاهین بندرعامری درمسابقات لیگ دسته اول کشور.

همه به تیم شاهین عامری کمک کنند

کوروش غریبی ورزشی نویس: نخست باید تاسف خودم نسبت به وضعیت تیمهای ریشه دار قدیمی استان و کشورم را اعلام نمایم. با این همه ظرفیت موجود اعم از گاز و نفت و پتروشیمی ها در این استان، مردم بوشهر را در فوتبال به نوعی عزادار کردیم از سقوط این دو تیم که در کشور و حتی خارج از کشور علاقمندان وافری دارد و اما خدا را شکر می کنم که بازهم تیم پارس جنوبی با مشقت فراوان در لیگ دسته اول کشور ماندگار شد و خوشحالم که تیم خوب و مردمی و روستایی شاهین عامری با مدیریت خوب دلسوز و کادر فنی مجرب و بازیکنان خوب بومی مرهم زخمی بر درد مردم فوتبال خیز استانمان شدند و با صعودشان همگان را خوشحال نمودند.



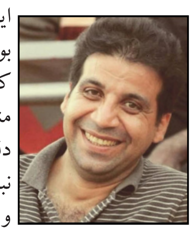
با توجه به این که مسابقات لیگ دسته اول کشور در فصل آینده تیم شاهین عامری حضور دارد باید با استفاده از تمام ظرفیتها یعنی بومی گرایی و برنامه ریزی مدون و جذب اسپانسر و صد البته کمک مسئولین ذیربط استان و نشست با نمایندگان و جذب پتروشیمی و شرکتهای نفتی و تبلیغات، حضور قدرتمندانه در لیگ دسته اول داشته باشند.

بوشهر پتانسیل فراوان از بازیکنان برخوردار هست و مربیان دلسوز که یکی از آنها خود مهدی کریمیان هست و برادرش مهرداد که تجربه لیگ دسته اول کشور دارند و نیاز حمایت دارند و این در عمل نشان دادند و اگر مربیان خوب دیگر در بوشهر هستند که می توانند به تیم خوب شاهین عامری کنند، جذب اسپانسر مهمترین عامل تقویت تیم هست. امیدوارم در کنار اسپانسر مسئولین ما به کمک شاهین عامری و پارس جنوبی بیایند و امسال در لیگ دو و سه شاهین و ایرانجوان بوشهر حمایت کنند تا شاهد روشن شدن چراغ فوتبال بوشهر شویم. باور کنید دور از دسترس نیست؛ کرمان را ببیند دیگر به شرح این موضوع نیاز نیست.

مسئولین اگر چه از نظر اقتصادی مردم نیاز به توجه فراوان دارند، اما فوتبال می تواند روح و روانشان را جلا دهد و با کسب افتخار از سوی این تیمها به آرامش برسند.

کادر مدیریتی قوی و توانمند و برنامه ریز، نیاز شاهین بندر عامری

غلام احمدی، ورزشی نویس: شاهین و ایرانجوان دو تیم ریشه دار بوشهر، چند سالی است که از وضعیت پایدار و مناسبی برخوردار نیستند. دلیل اصلی این ناپایداری، نبودِ کادر مدیریتی قوی و توانمند و برنامه ریز و البته دلسوز است. متاسفانه در این چند سال تصمیماتی ناکارآمد، عجولانه و احساسی گرفته شده است که این مهم با نگاهی به حضور مربی و بازیکن در این تیم و همچنین وضعیت مالی واضح و مشخص است. پاسخ به این سوال که شاهین عامری چه کند که به سرنوشت این دو تیم دچار نشود؛ تشکیل کادر مدیریتی قوی و برنامه ریز، فراهم نمودن امکانات اولیه، تشکیل آکادمی فوتبال، توجه به مربیان بازیکنان بومی و تکیه نکردن بیش از حد به عوامل بیرون از استان از نکاتی است که اگر تیم شاهین عامری به آن توجه نماید، می تواند سالها در سطح اول فوتبال حضور داشته باشد.



زنده نگهداشتن امید هواداران فوتبال در استان بوشهر

علیرضا محمدی: فرزندی از مکتب اصیل شاهین با درایت، تلاش و پشتکار ستودنی، گردآوری کادری دلسوز، مجرب وهمسو و البته حمایت خوب مدیریت باشگاه توانست کاری کند کارستان.

صعود شاهین عامری به لیگ یک در روزهای ناخوش احوال فوتبال استان، ایران جوان و شاهین شهرداری بوشهر؛ می تواند روزنه های امید هواداران فوتبال را در استان زنده نگه دارد تا نوجوانان و جوانان این دیار فوتبال خیز بعد از مهدی طارمی و مهدی قائدی با تلاش و تمرین و پشتکار مضاعفشان چشم انتظارشکوفایی و درخشش در شاهین عامری باشند... .



تجربه سالها و بارها صعود تیم های مختلف استان از جمله شاهین بوشهر نشان داده در آستانه بزنگاه صعود مدیریت مواجه می شود با سیل پیشنهادات اغواکرانه دلالان، ایجنت ها و مدیر برنامه ها و...

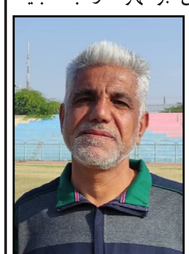
که با وعده های پر طمطراق و وعیدهای آن چنانی سعی در نفوذ در تیم و آوردن چند بازیکن و در نهایت بهره بردن از سفره صعود هستند.

یکی می آید و می گوید من و تیم در فلان باشگاه تاثیر آن چنانی داریم و مثالها می زند از آب جادویی و سحر و جادو و جمبل! آن دیگری می آید و می گوید من با پسر خاله رییس فدراسیون همبازی بوده ام و از این طریق می توانم در فدراسیون تاثیر گذار باشم! و دیگری با وعده های خیالی خرید تیم های داوری می آید و این که ما می آییم و برایتان نتیجه بازی های حساس را در می آوریم! و... دیگری مثال چند بازیکن نام آشنا را می زند و می گوید من اینها را چهره کردم و شانتاژ خبری تیمتان با من! و... فلان ایجنت هم می آید و با چندین فیلم بازیکن در سامسونیتش سعی در قالب کردن چند بازیکن خارجی اش را دارد! و... خلاصه این که تا بوی پول به مشامشان می رسد از در و دیوار با ترفندهایی عجیب و غریب سعی در نفوذ در تیم را دارند و این آفت اصلی تیم های تازه صعود شده است که می دانیم مدیران و مربیان با تجربه شاهین عامری شناخت خوبی از این قبیل شیطنت ها را دارند و نمی گذارند مجموعه شان وارد چنین بازی های شوند. به نظر نگارنده، شاهین عامری با اتخاذ استراتژی و تعیین هدف منطقی برای این فصل و البته هدف گذاری سه ساله برای صعود به لیگ برتر، برای فصل پیش رو می تواند با تاکید بر نیروهای توانمند بومی و استفاده از ظرفیتهای موجود استان در کنار بهره گیری از چند بازیکن خوب کلیدی خصوصا در پستهای حساس، تیم را برای فصل اول ورود به لیگ یک آماده کند و نتایج قابل قبولی کسب کند. این که شاهین عامری خودش باشد مهمترین برگ برنده این مجموعه پر تلاش است.



اسپانسر مالی خوب پیدا کنند تا مثل شاهین شهرداری بوشهر سرشان نیاید

علی نعمتی مالک شاهین بوشهر: در ابتدا باید تبریک عرض کنم به مدیران و دست اندرکاران تیم فوتبال شاهین بندرعامری که به لیگ دسته اول ایران صعود کردند. جای شکرش باقی است که حداقل یک شاهینی از استان جای شاهین شهرداری بوشهر و ایرانجوان را در لیگ یک پر کرد. بنده به عنوان یک خادم شاهین ۱۳۰۹، چهره های زیادی از مدیران را مشاهده کردم.



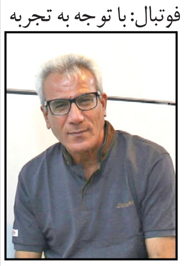
آقای ناصری مدیر باشگاه شاهین بندرعامری و همکارانشان که تیم را به خوبی ساپورت کردند، اگر می خواهند این راه را ادامه دهند باید یک اسپانسر مالی خوب پیدا کنند تا مثل شاهین شهرداری بوشهر سرشان نیاید.

در ایران شرایط اقتصادی فوتبال زیاد خوب نیست. فقط چند تیم که اسپانسر شرکتی دارند موفق هستند. شاهین عامری باید حامی مالی خوب، مدیران شایسته و اقتصادی برای خود دست و پا نمایند. از لحاظ بازیکن نیز باید از بومی ها بیشتر استفاده شود در لیگ یک باید از چند بازیکن غیربومی خوب استفاده شود. اما نه این که تمام بازیکنان را غیربومی کنند. اگر حامی مالی گفت تیم شاهین و عامری را حمایت می کنم به سادگی قبول نکنید و بایستی در محضر یک قرارداد سفت و محکم با ضمانت نامه بانکی با آن ها ببندند.

در پایان عاجزانه از مدیران شاهین عامری می خواهم که از مدیران خوب، هیئت مدیره، بازیکنان کارآمد استفاده کنند. بار کج به منزل نمی رسد.

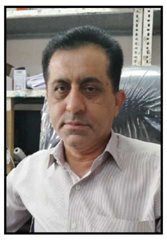
نگذارید شاهین بندر عامری به سرنوشت شاهین بوشهر و ایرانجوان دچار شود

ابراهیم رفعت پیشکسوت فوتبال: با توجه به تجربه تلخ شاهین و ایرانجوان و فاجعه سقوط این دو تیم مردمی و قدیمی استان به دسته پائین تر لیگ فوتبال ایران، باید یه خسته نباشی به متولیان استان علی الخصوص مسئولان شهرمون گفت باید به این مسئولین گفت شما که می توانید کاری یا خدمتی به ورزش مخصوصا فوتبال بکنید چرا از این کار دریغ می ورزید؟ آیا استان بوشهر با آن منبع درآمدزایی از گاز و پتروشیمی بگیر تا درآمد گمرک و اداره بندر و کشتیرانی که به تنهایی خودشان می توانند یه کشور با جمعیت سی تا چهل میلیون اداره کنند چرا و چرا... حال که شاهین و ایرانجوان که خود ماهیت ورزش استان هستند به دسته پائین تر با دست خود مسئولین شهرمان سقوط کردند، بیایید همتی کنید، الان که شاهین بندرعامری به لیگ دسته یک کشور صعود کرده، عزیز مسئولی که می توانی و دستت می رسد کاری برای این فوتبال مریض شهرت انجام بده، حالا که بچه های دلیرتنگستان با از خودگذشتگی و با غیرت چه از نظرمعنوی و مادی که مطمئن هستم که هیچ کمک مالی از جانب شما مسئولین به این تیم نشده؛ پس بیایم با هم از این باشگاه مردمی حمایت مالی کرده که به سرنوشت آن دو تیم مردمی شاهین و ایرانجوان دچار نشوند. از استاندار و امام جمعه که خود از ورزشکاران و فوتبالیستهای خوشنام و محترم شهرمون بودن تقاضامندم بستری فراهم نمائیم و این مشکل بزرگ مالی که گیربانگیر ورزش این شهر قهرمان خیز را گرفته برطرف نمایند.



ضرورت برنامه ریزی فنی و مالی

علی عالی نژاد مدیرعامل باشگاه کارگر بنه گز: صعود مقتدرانه شاهین بندر عامری را به مردم تنگستان و استان بوشهر و هم چنین کادر مدیریتی و فنی، بازیکنان آن باشگاه تبریک عرض می نمایم.



با توجه به این که نتایج شاهین و ایرانجوان بوشهر، دل همه را آزرد اما در رابطه با آینده باشگاه شاهین عامری باید عرض کنم که این باشگاه در این چند سال اخیر نشان داده که هر ساله با یک برنامه ریزی فنی و مالی مناسبی وارد مسابقه شده است و توانسته رده های مختلف لیگ را از بخش تا کشوری را طی نماید که امیدواریم در فصل جدید نیز کما فی السابق با قدرت وارد لیگ یک شده و بتوانند نتایج درخشانی را کسب کنند. این موضوع نیازمند برنامه ریزی دقیق فنی و مالی مناسب می باشد، که امیدوارم بتوانند با جذب اسپانسرهای پرتوان مخارج سنگین امروز، فوتبال را تامین کنند.

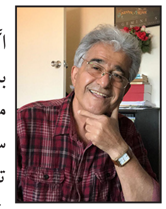
آفرین به همت شاهین بندر عامری

محمد ایروانچی پیشکسوت فوتبال: با توجه به کارنامه ناموفق دو تیم شاهین و ایرانجوان و تا حدودی پارس جنوبی، مطلب را جایی خواندم که نوشته بود «زندگی سخت نیست، زندگی تلخ نیست، زندگی همچون نت های موسیقی بالا و پایین دارد گاهی آرام و دلنواز و گاهی سخت پس بیاییم از گذشته درس بگیرم و آینده نو بسازیم.» شاید خیلی از دوستان در بدنه این سه باشگاه عامل اصلی را نبود سرمایه و... بدانند اما وقتی می بینیم تیم خوب و یک دست شاهین عامری می آید و تمام این تفکرات را با صعود خود به لیگ یک از بین می برد و نشان می دهد که حرف اول مدیریت می زند، مدیریتی که بر کارگروهی تکیه داشته و معمولا دارای محیطی سلامت با عملکرد بالا که توانست پله های ترقی را طی کند و الان باید به عنوان الگوی مدیریتی به تیم های ناکام این استان معرفی کرد. در اینجا یه خدا قوت و خسته نباشی به عوامل این باشگاه گفت که با دست خالی و مدیریت جوان و کار کشته و با انرژی بسیار بالا و بهره بردن از افراد متخصص در نقطه نقطه امورات باشگاه داری و کار گروه قوی که دست به دست هم داده و این نتایج درخشان را رقم زدند و نشان دادن می شود، ناممکن ها را به ممکن ها تغییر داد و اگه به همین منوال ادامه داده شود قطعا در آینده شاهد نتایج درخشانترین خواهیم بود، ضمن این که این امر در گرو یه فراخوان و حمایت همه جانبه استاندار فرماندار نماینده های مجلس و امام جمعه می باشد زیرا این استان پتانسیل این را دارد که اسپانسر چندین تیم را داشته باشد و نگذاریم تیم های شهرمان که دلخوشی مردمان خونگرم خطعه جنوب به این حال و روز باشند و حمایت کنیم. مردمان این دیار با فوتبال زنده اند و فوتبال در خون و رگ تک تک خانواده ها می جوشد. پس خواهشم از مسئولین این هست که شاهین عامری را حمایت کنند و گرفتن سکان سه تیم دیگر و گذاشتن مدیران قوی برای ایرانجوان، شاهین و پارس جنوبی و برگرداندن آنها به روزهای اوج و تیم های دیگر استان که به فراموشی سپرده شده اند دست یاری را به سوی شما دراز کرده و ملتمسانه خواستار حمایت هستیم.



من زمینم، خانه تو، با خودت بیندیش با من چه کرده‌ای!

دکتر محمود دهقانی



اگر من صدای زمین بودم به انسان‌های هم نوع خود می‌گفتم شانه‌ام را برای این سپنج در اختیارتان گذاشته‌ام تا گذر کوتاه عمرتان را به خوشی، پایکوبی و آواز بر شانه‌ام بگذرانید. تا همچون خود من که گرد هستم دایره زنگی‌وار، جشن نفس کشیدن برپا کنید و به هم نوعان خود عشق بورزید. اما یادتان باشد پلاستیک تهی شده از شیرینی جشن‌ها و زباله‌های یک بار مصرف خود را بر من که زمینم نریزید، آن‌ها را پخش و پلا و تلنبار نکنید. چرا که دود و آتش زباله‌های شما زبانه می کشد و نه تنها دامن من که زمینم بلکه دامان شما مستاجران نشسته بر شانه من را نیز خواهد گرفت و خواهد سوخت. باری، اگر دادگاهی برقرار شود تا دادخواهی من از درد شانه و کارهای خطای شما انسان‌ها را رسیدگی کند نه تنها دولت‌ها بلکه شما ملت‌ها نیز به بی عدالتی بر من که زمینم، محکوم خواهید بود. بشر امروز در سایه دولت‌ها و کشورهای زیاده خواه، جهان را بر شانه من که زمینم به جهنمی برای خود تبدیل کرده است. گازهای گلخانه‌ای سه چهار کشور صنعتی برای پول پاروگری و دندان گردی و زیاده خواهی همراه با قطع درختان، تبدیل دریاها به فاضلاب و روغن های مصرف شده ماشین آلات پول پارو گران جهان، داغان کردن اکو سیستم، همه و همه زندگی را بر شانه من مملو از درد تنفسی، قلبی و دردهای ناعلاج کرده است. رودهای خروشان، پرندگان رنگارنگ، تالاب‌ها، نیزارها، نرگس زارها هستند که زندگی تو و شانه من را زیبا کرده است. آواز قرقی‌ها و بلبلان مست غزل خوان، جرس کاروان های سکونت کوتاه شما در کاروانسرای شانه من است. من زمینم، خانه تو، با خودت بیندیش با من چه کرده‌ای!

شما ای انسان، تمدن و فرهنگ را بر شانه من به معرض نمایش بگذار و از ستم بر خود و من دوری کن. روز جهانی محیط زیست، همه روزهای سال است. روز و ماه و سال محیط زیست بر مردم ایران و همه کشورهای جهان فرخنده باد.

از طبیعت درست استفاده کنیم

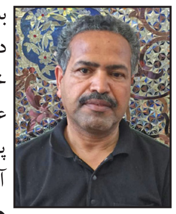
هلنا سعادتمند



اگر شما صدای زمین بودید به انسانهایی که روی آن زندگی می کنند چه می گفتید؟ چه سوال جالبی. مگر بدون طبیعت می توان بر کره خاکی دوام آورد؟ همه ما نیک می دانیم که تداوم زندگی در گرو حفاظت از محیط زیست می باشد. وقتی آلودگی باشد یعنی توقف آرام و بی صدای زندگی. یکی از بحران هایی که اکنون با آن مواجهیم آلودگی هوا می باشد که می تواند لطمات جبران ناپذیری به محیط زیست بزند. همچنین انتشار گازهای گلخانه ای باعث تخریب لایه ازون و در نتیجه ایجاد بحران هایی در طبیعت می شود. از دولتمردان می پرسم دولت چه راهکاری برای رفع آلودگی هوا دارد؟ مردم در این میان چه نقشی دارند؟ متاسفانه با وجود تشکیل سمن ها و انجمن های مختلف حمایت از محیط زیست سالانه شاهد تخریب جنگل ها هستیم. برای ایجاد راهکار مناسب علاوه بر عزم دولت فرهنگ سازی نیز نیاز می باشد. من به عنوان صدای زمین به انسان ها میگویم از منابعی که طبیعت در اختیارمان قرار داده درست استفاده کنیم که می دانیم توسعه پایدار یعنی هماهنگی با محیط زیست.

درک احساس ارزشمندی در طبیعت وحشی

جمیل رزمی



به خاطر می آورم که حوالی دهه هفتاد بود و من نسبت به خیلی از عناصر طبیعی احساس علاقه داشتم و حساس بودم. پخش گزارش و تصاویر آتش سوزی در رشته کوه های زاگرس، جنگل های یونان، اسپانیا، کالیفرنیای امریکا، کانادا کانال های تلویزیونی دنیا را دربر گرفته بود. پخش این تصاویر ما را که در یک محیط مذهبی پرورش یافته بودیم تحت تاثیر و به تبع آن دچار حرمان و سر شکستگی کرده بود. این تصاویر به عمد یا سهواً وقت و بی وقت پخش می شد بطوری که از لحاظ روحی مرا به جائی رساند که خدا را به شفاعت این ظلم علیه طبیعت بخوانم تا شاید خداوند خالق هستی و آفریننده زمین، صدای مرا بشنود و معجزه ای رخ دهد و از سر رأفت آبی بر این آتش بی انتها فرو ریزد و ظلمی را که آدمی بر حسب حسد، طمع ورزی، انتقام جوئی بر زمین روا می دارد را پایان بخشد. افسوس و صد افسوس قصه همچنان ادامه داشت تلاش های جامعه جهانی و تشکلات مردم نهاد در جهت پایان بخشیدن به این تظلمات ادامه داشت اما زمین همچنان مورد بی مهری قرارگرفته بود و در آتش نابخردی می سوخت. به قرآن پناه بردم آن را برگ زدم و به این آیه شریفه رسیدم که درآن آمده بود کل شی هالک الا... یعنی همه چیز روبه نابودی است مگرخدای توانا. این آیه کمی مرا آرام کرد، متوجه شدم این آیه بیانگر مرگ تدریجی طبیعت بود، کمی از دغدغه هایم کاسته شد اما همچنان این بی قراری ادامه داشت و از خود می پرسیدم چرا انسان همچنان بر جهل افراطی خود با نافرمانی و ناسپاسی پای می کوبد.

چشم هایم را می بندم تا لختی دنیا را به شکل دیگری ببینم، اما دیدم نمی شود. از انسان این اشرف مخلوقات حرص می خورم، از این همه ناسپاسی به کجا باید پناه برد؟ با تولید گازهای گلخانه ای چه باید کرد؟ با انقراض صدها گونه حیوانی چه باید کرد؟ با نابودی صدها گونه گیاهی چه باید کرد؟ با استخراج بی رویه معادن نفت و گاز، مس، روی، آهن چه باید کرد؟ با انفجار کوهها، تخریب جنگل ها و سوراخ شدن لایه اوزن چه باید کرد؟ با فرسایش خاک و آب شدن یخچال های طبیعی چه باید کرد؟ حال من می خواهم با صدای بلند به مردم دنیا بگویم که هر نمادی در طبیعت آیه ای است که حرف های بی شماری با من و تو دارد پس چشم و گوش بدار و خوب نگاه کن.

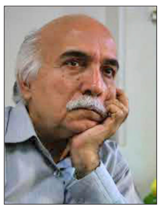
به دلکش ترین ترانه به مردم بگویم: شب خاموش زیبائی زیبای مادر را دارد و روز هیاهوی کودکان را.



باز می گویم که هنر در درون طبیعت نهفته است و به کسی تعلق دارد که آن را استخراج می کند. پس ای آدم ها بیائیم تا جای طبیعت باشیم، هرچه بیشتر در سرشت طبیعت اندیشه کنیم از خلاقیت خالق دستگاه آفرینش بیشتر متحیر می شویم. ما آزاد زندگی کرده ایم، طبیعت همیشه دردسترس مان بوده است، در کوه و کمرش اسب رانده ایم، در دشتش اطراق کرده ایم، به آسمانش چشم دوخته ایم و به سوسوی ستارگانش دل خوش کرده ایم، به این امید که طبیعت برای مان با عشوه گری هایش فصل ها را درپی داشته باشد. من در طبیعت وحشی، احساس ارزشمند آشنایی را درک کرده ام که در خیابان و محیط های لوکس هرگز به آنها دست نیافته ام. در مرز افق های دوردست شاهد باشکوه ترین زیبایی هایی هستم که با سرشت انسان شریف سازگاراست. من طبیعتم ، خودِ خودِ طبیعتم.

ای انسان، برای حفظ زمین بکوش

حسین حشمتی

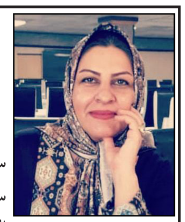


به تعبیر نگارنده، زمین همچون مادری مهربان برای انسان است زیرا در حقیقت این پدیده به ظاهر بی جان، بستر تولید منابع زیر و روی زمین است تا انسان‌ها با تلاش و کسب دانش‌های نوین و به کارگیری مهارت‌های زندگی نسبت به تولید مایحتاج اولیه منجمله آب اقدام نموده و موجبات بقای خویش و نسل‌های آینده را فراهم سازند.

بنا بر تعبیر ناقصی که صاحب این قلم "در حد بضاعت" خود ارائه نمود زمین تنها جایی است که بعد از اراده ازلیه خداوند سبحان، ذاتا می تواند بشر را از لحظه ی تولد تا پس ازمرگ در خود جای دهد کما این که طبق برآورد سازمان ملل متحد، کره زمین تا سال ۲۰۲۲میلادی، دارای ۷ میلیارد و۹۲۰میلیون نفر جمعیت می‌باشد که همین تعداد برای آلوده ساختن و نهایتا انهدام امکانات اولیه مورد نیاز بشر کافی به نظر می‌رسد، زیرا مصرف بیش از حد آبهای شیرین زیر و روی زمین باعث شده که امروزه در اکثرِ کشورها منجمله بعضی استان‌های لم یزرع کشور خودمان، رویکرد شیرین سازی آب شور دریاها در دستور کار قرار دارد و سالهاست عملیاتی شده است که اگر انهدام بیشترین مساحت جنگلها و مراتع کشور را هم به مورد پیشین اضافه کنیم با کمال تاسف به این نتیجه خواهیم رسید که نه تنها برای نسل حاضر بلکه برای زندگی نسل‌های آینده میراثی به جای نخواهیم گذاشت و از همین روست که اگر نگارنده به جای زمین بودم برسر مردم فریاد می‌کشیدم که دیگر چیزی به اتمام ذخائر و منابع مدفون شده در من باقی نمانده است، اگر به فکر خودتان نیستیدلااقل به آینده فرزندانتان بیندیشید چون آنان هم حق حیات دارند، نکند هرچه هست و نیست یکباره مصرف کنید و با آلوده ساختن من سرزمین سوخته برای اولادهایتان باقی بگذارید؟

ساکنین خوبی برای زمین نبودید

صدیقه سیاح



سلام به تک تک شما ساکنین بر روی دوش من، البته که وزن و جرم تان باعث سنگینی بار بر دوش من نشده، اما آن چه شانه هایم را خسته و تحمل تان را برایم سخت نموده، نا آگاهی تان نسبت به رموزی است که اکثر شما نسبت به آن آگاهید ولی به آن عمل نمی کنید.

هر ساله در لحظه تحویل سال و آغاز سال نوتان از خالق مان با دعا درخواست می کنید «ای انقلاب کننده در دل ها، ای مدیریت کننده گردش من و شما، ای مسبب تغییر و تحول در رفتارها، تمام کارهایمان را با آن چه که خودت می دانی به بهترین شکل انجام بده». اگر شما به همین دعای اول سالتان پایبند بودید وضع من و پس از آن خودتان در حال حاضر این گونه نبود، خودخواهی و زیاده خواهی تان بر علم و خواسته هایتان غلبه کرده و منافع موقت و زودگذرتان بر دعاهایتان مستولی شده است.

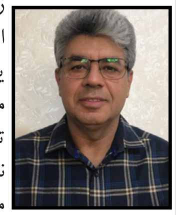
بستر من را که خالق مان با هنر نمایی تمام آماده زندگی راحت شما خلق کرده بود در راستای تحقق اهداف کوتاه و زودگذرتان تغییر دادید. رودخانه ها را مسدود نمودید تا کشاورزی تان از رونق دهید و به ذعم خودتان از هدر رفت آب جلوگیری کنید نتیجه اش چه شد؟ سهم بارش هایتان بهتر شد؟ زمین ها و کشاورزی تان آبادتر شد؟ راستی دقت کرده اید به جای اکسیژن، سال هاست که خاک استنشاق می کنید. بدن من را سوراخ سوراخ نمودید تا گاز و مایعی که ظاهرا موجب رفاه و پیشرفت تان می شد را استخراج و استحصال نمایید، نتیجه را ملاحظه نمودید؟ آب دریاها و اقیانوس ها را که محل رزق و روزی تان بود چنان آلوده نمودید که امروزه غذاهای دریایی تان نیز آلوده شده، اکوسیستم دریا ها را هم بهم ریخته اید بقا هزاران موجودات دریایی را یا منقرض نموده و یا در معرض انقراض قرار داده اید. با استخراج و مصرف بی رویه گازها و مایعات جو من را که با لایه ای (ازن) جهت جلوگیری از ذرات مضر نور خورشید احاطه شده بود از بین بردید و امروزه به یکی از مخاطرات شما تبدیل شده است. استحصال و تخلیه بیش از اندازه این مواد از درون من باعث تغییرات در لایه های بالایی من شده که شما اصطلاحا تحت عنوان رانش زمین و تحریک گسل ها از آن یاد می کنید.

فضای سبز و درختان بر روی پوسته من را از بین بردید. نتیجه اش چه شد؟ کمبود اکسیژن، افزایش آلودگی های جوی و از بین بردن لایه های مستعد کشاورزی. به هرکجا نگاه می کنم یک چیز مشهود است و آن دستکاری در طبیعت به منظور دستیابی موقت به رفاه آنی و زودگذرتان و متعاقب آن درگیری تان جهت حل معطلی است که مسبب خلق آن خودتان بوده اید. تنها خواهش من از شما این است که لااقل دعایی که مدام بر زبان جاری می کنید را دیگر زمزمه نکنید (درخواست واگذاری همه کارهایتان به خالق هستی در قبال دریافت احسن الحال برای خودتان) چرا که تا کنون هیچ وقت به آن عمل نکرده اید تا به احسن الحال دست یابید و در مقابل عموماً تقصیر را نیز به گردن خالق انداخته اید، گواه من برای این مدعا نیز اشاره شاعر نامدار و بزرگ تان است که مدام آن را زمزمه می کنید، آن جا که می گوید: هر کسی روز بهی می طلبد از ایام / علت آنست که هر روز بتر می بینم .

خالق هستی همواره تمام کائنات را با نظم خاصی به سمت رشد و تعالی رهنمون می نماید پس اگر شاهد آن نیستیم علت را در وجود خود جستجو کنید. با دستکاری در نظم هستی شاید رفاه موقت و زود گذرتان را رقم بزنید ولی آن چه در بلند مدت عایدتان شده خسران و ضرر است. آخر این که خالق هستی با برنامه ریزی های دقیق در جهت نیل به رشد و تعالی همه ذرات موجود در کائنات با وجود تمام سنگ اندازی های شما دست به کار شده و اقدام به ایجاد تعادل به انحا مختلف می نماید بنابر این هر چند وقت یک بار شاهد گوشه ای از هنرنمایی های خالق به منظور ایجاد تعادل هستید هر چند شما از آن نیز به عنوان بلایا و مصیبت یاد می کنید غافل از این که هدف چیز دیگری است.

ممکن است نوش داروی بعد مرگ سهراب باشد

دکتر یداله عبدالهی



زمین مادر است و معمولاً پیش از فرزندش می میرد اما نوزاد یسیر هم زنده نمی ماند.

محیط زیست همانند زمینه یک تابلو نقاشی زیبا در یک قاب نفیس است که زیبایی زمینه موجب ماندگاری و ارزندگی اثر و در مجموع وجودش موجب حیات بشری است.

بشر مفهوم سرمایه گذاری را خوب درک نکرده است و به عمق معنی نگهداشت و نگهداری پی نبرده است.

سرمایه گذاری یعنی اندکی فکر و برنامه ریزی تا سال‌های متمادی بدون دغدغه باشید و نگهداشت و نگهداری یعنی قبل از این که مریض و ناتوان شوی، مشاوره یک پزشک دلسوز را بگیری اگر پیدا کنی.

فرهنگ بشری، تعویض و تعمیر در خیلی از موارد بی نظیر مثل طبیعت و محیط زیست، بد بکار می گیرد و موجب از دست رفتن فرصت ها می شود. مثلا آب های سطحی را بی رویه مصرف می کنیم، بدون این که برای نگهداشت منابع آن فکری داشته باشیم و زمانی که با کمبود روبرو می شویم به فکر تعویض و جایگزین منع تولید آب افتاده و بدون ملاحظه به استخراج بی رویه آب های زیر زمینی می پردازیم و همین که با کمبود روبرو شود. باز هم به تعویض و جایگزینی منبع فکر می کند و به شیرین سازی آب دریاها و خلیج ها می پردازیم تا با ورود پساب های داغ و اشباع از املاح موجب تخریب اکوسیستم پیرامون خود شود و آخر هم منبع بارزش آب پیرامون خود را به نابودی سوق دهد. همین شیوه را برای انرژی های فسیلی، خاک و هوا هم بکار برده و تا نابودی کامل آنها بدون لحاظ نمودن علم نگهداشت تا آلوده نمودن کامل محیط پیرامون و سرانجام انقراض خود، راه را چشم بسته ادامه می دهد.

اخیرا بشر مدرن به یک پدیده نادر بنام «علم مدیریت» دست یافته که قادر شده بر بربریت خود فایق آید و برای برای زندگی خود و فرزندانش برنامه ریزی کند تا بتواند در نگهداشت منابع طبیعی و محیط زیست کوشا باشد. متاسفانه فاصله ما تا این مدرنیته برای بکار گیری علم مدیریت بویژه برای بهداشت زمین، زیاد است و ممکن است مثل دیگر موارد ملاحظه شده، نوش دارویی و بعد مرگ سهراب باشد.

فریاد زمین را نادیده نگیریم!

اسماعیل منصورنژاد



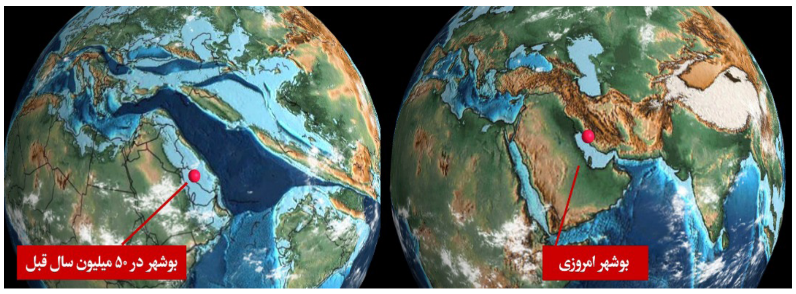
کاری به کرهٔ زمین در ابعاد وسیع ندارم و فقط یک قطعهٔ کوچک را مثال می‌زنم که مشتی از خروار است: حدود ۳۵ میلیون سال پیش، بوشهر ما از زیر آب‌ها و حوضچه‌های بسته بیرون آمده و شکل نهایی آن نیز حدود ۲۰ میلیون سال قبل تثبیت شده است. کاری به جزییات ۲۰ میلیون سال قبل نداریم، اما استان بوشهر در آن زمان سبز و ارتفاعات و جلگه‌های ساحلی و دشت‌های آن پوشیده از جنگل بوده است. فقط به یک دلیل: زمین جوان بوده و بدون مزاحمی به نام «انسان»!

از زمانی که فرمانروایی انسان بر این بقعه آغاز شده، علاوه بر فرسایش‌های طبیعی بادی و آبی، دست‌کاری‌های انسان باعث شده که روند طبیعی و کند و میلیون‌سالی تغییرات زمین، به سرعت پیش رود و چنان سرعت بگیرد که به جای ده‌ها میلیون سال، دهه به دهه شاهد تغییرات عمیق باشیم که وحشت‌آور است!

مزاحمت و دستکاری انسان، زمین را به کام نابودی برده است؛ از تغییرات اقلیمی بگیر تا فرسایش و سست شدن خاک و سپس مهم‌ترین عارضهٔ آن که کمبود آب و کاهش زمین‌های قابل کشت برای تأمین غذای انسان است، همه و همه محصول دستکاری انسان در طبیعت است که داستانی طولانی و دردآور دارد.

علاوه بر این، حجم زیاد تولید زباله و فاضلاب، زمین را روز به روز بیمارتر و فرسوده‌تر می‌کند. برنامه‌ریزی برای کاهش دستکاری زمین و تلاش برای ترمیم مناطق آسیب‌دیده، کاهش مصرف آب، کاهش تولید زباله، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی (عامل اصلی آلودگی هوا و افزایش گازهای گلخانه‌ای و افزایش گرمای زمین)، کنترل جمعیت به صورت یک دهه در میان و... کار دولت‌ها و حمایت ما مردم است و هیچ راه دیگری برای زنده نگه داشتن زمین و جلوگیری از تغییرات شدید اقلیمی وجود ندارد.

بیایم صدای زمین باشیم، فریاد آن را نادیده نگیریم و حادثه تلخ نابودی طبیعت را هر روز به خودمان یادآوری کنیم تا بتوانیم خود و آیندگانمان زندگی کنیم. ما می‌توانیم تولید زباله را کاهش دهیم، کمتر از وسایل نقلیه درون شهری استفاده کنیم و حداقل زباله‌های پلاستیکی و فلزی و شیشه‌ای خود را در طبیعت رها نکنیم. این کار سختی نیست.



تصویر مربوطه و شرح آن:

شرح تصویر (به عنوان نمونه): تصویری گرافیکی از موقعیت استان بوشهر (نقطهٔ قرمزرنگ) در ۵۰ میلیون سال قبل در کنار بوشهر امروز بر روی کرهٔ زمین.

بر اساس سن زمین و مطالعات زمین‌شناسی، ۵۰ میلیون سال قبل هیچ اثری از خشکی نیست و فقط آب‌های کم‌عمق دیده می‌شود. این‌ها تغییرات در ابعاد میلیون‌ها سال و کلی و طبیعی است، اما تغییرات در جزییات زمین پس از دستکاری‌های انسان، به صورت دهه‌ای و غیرطبیعی است. یعنی قدرت تخریب انسان بسیار فراتر از تغییرات طبیعی زمین است و فقط انسان می‌تواند آن را مهار کند.

از ارثیه زمین محافظت نکردیم

کی ناز کوهی



اگر که زمین صدا داشت و می توانست با انسان ها به گفت و گو بپردازد به آنها می گفت که طمع آنها چه زیانی به خود می رساند و نابودی من یعنی نابودی شما. انسان هایی که برای حیات، بی رویه از آب زمین بهره برداری می کنند و تَرَک هایی سخت بر خاک زمین می نهند، انسان هایی که برای آسایش خود تفکیک زباله را انجام نمی دهند، انسان هایی که برای کار های اداری خود از کاغذ هایی که حتی فراموش کردند از کجا می آید استفاده می کنند، انسان هایی که برای زیستنِ هرچند ساده تر و راحت تر از سوخت های فسیلی استفاده می کنند و دود سیاه آن را به هوا می فرستند فقط موجب نزدیک شدن مرگ زندگی خود می شوند.

همان قضیه دنیا خیلی گرد است و چرخ گردون می چرخد و زمانی نیز به سراغ ما می آید حکم می کند. این راحتی هایی که هیچ وقت فکرش را هم نمی کردیم که چه آفتی برای خودمان است روزی به خود ما و فرزندان مان بر می گردد و روزی سخت مجازات خواهیم شد و الحق که گناهکار هستیم. زمین برای ما همیشه بود ولی هیچ وقت ما برای زمین نبودیم و فقط به بودنش تماشا کردیم و تلاشی برای ماندنش نکردیم.

امروز این هوای آلوده که حتی لایه محافظتی زمین را هم تخریب کرده مجازات زمین برای انسان هاست. مجازاتی که شاید از طرف نیاکان ما به ما رسیده و اکنون کودکان ما بایستی در این هوا به بازی بپردازند و سهم آنها از زمین درخت های مرده و آسمان های خاکستری و بدون ستاره است و چه اندوهناک است که نمی توانند رنگ آبی آسمان را در نقاشی های خود به کار برند و از خاکستری برای رنگ آمیزی آن استفاده می کنند.

فرزندانمان به گردن ما حق دارند ولی ما از ارثیه زمین خوب محافظت نکردیم و زمین ضربه خورده را برای آنها به یادگار گذاشتیم. ما همیشه از مرگ دوری کردیم و از آن ترسیدیم غافل از آن که با کار هایی که در زندگی انجام می دهیم موجب نزدیک تر شدن مرگ به خود شدیم و خود قاتل زمین و زندگی خود بوده ایم .

هشدار که آرامش تو در گرو حفظ زمین است

رضا نکیسا



نوشتار کوتاه حاضر گفتگوی شخصیت خیالی زمین است با آدمی؛ آیا هیچ آگاهی که زمین گهواره توست که از تولد تا گور تو در برگرفته و رستخیزت نیز از دل همین خاک اتفاق می افتد.

آیا می دانید سالانه بیش از ۹ میلیون تن زباله تولید می کنید، که بخش اندکی از آن بازیافت می شود و قسمت اعظم آن راهی زمین و آبهای جاری و دریا می شود. مطمئن باشید زمین هر آن چه را به آن داده اید به شما بر می گرداند، دخالت در طبیعت و دستکاری آن فاجعه ای است که انسان بر این کره خاکی هموار کرده است، لیکن این خرابی تشدید می شود و به سوی ساکنان آن بر می گردد.

به این آمار نیز نگاهی بیاندازید، سالانه نزدیک به چهار میلیون نفر می میرند که نصف آن کودکانند. شاید این آمار آدمی را کمی به فکر فروبرد که با خاک چه می کنیم. شما از خاک آفریده شده اید و به سوی آن باز می گردید، بنابراین برای هیچ انسان خردمندی، خوشایند نیست که در مأمنی آلوده دیده به جهان گشود و زان پس در آن دفن گردد.

منشا خورد و خوراک و حیات تو از همین کره خاکی است. پس تامل کن که در این چند صباحی که بر خاک اقامت داری، ره آورد سفرت چیست.

آن چه شما به زمین می دهید، به شما بر می گرداند.

تخریب زمین نابودی زیست شماست، کیفیت زندگی بر روی کره خاکی به تعامل تو با آن بر می گردد. زمین هر آن چه نیاز انسان است، به او بخشیده است، پس به شکرانه کدام نعمت رفتار انسان با آن این گونه است. یک لحظه درنگ کن و بیاندیش که زمین هدیه ای ارزشمند نزد شماست برای زیستی سالم، خود و نسل های آتی، آنچه اکنون با این کره خاکی می کنید به فرزندان شما و نسل های پس از آن بر می گردد. هشدار که آرامش تو در گرو حفظ زمین است.

مرگ هر بوته سبز رنگ به معنای مرگ انسان است

سحر زنده بودی

چند صباحی خود را به جای زمین، این گوهر نایاب می گذارم...

آن گاه بود که برای انسان ها از محیط زیست می گفتم، از موهبت الهی که تمام زندگی ماست!

انسان ها را تفهیم می کردم که مرگ هر بوته سبز



رنگ به معنای مرگ انسان است، تخریب این نعمت خداوند، خیانت به نسل های آینده است.

آن ها را متوجه می کردم که اشرف مخلوقات بودن وظیفه بسیار سنگینی است و خداوند ناظر بر انسان هاست تا ببینید چگونه از این نعمت الهی مراقبت خواهند کرد.



خداوند با دادن محیط زیست که گویی مادر زمین است این مسئولیت را بر عهده انسان قرار داده تا آن را دیده بانی کند و مدام به خود تذکر دهد که حیات آدمی در گرو حفظ تنوع زیستی است.

اگر خود را اندکی چند به جای زمین بگذارم از انسان ها تقاضا می کنم تا حرمت حیات را پاس بدارند و خاکی که فرشتگان الهی بر آن سجده کرده اند را آلوده نسازند و موجب مرگ جنگل ها نشوند! به آن ها متذکر می شدم که آن ها زمین و محیط زیست را از اجداد خود به ارث نبرده اند، بلکه آن ودیعه ای است از آیندگان و فرزندان آن ها!

و در پایان ای کاش ما انسان ها بیشتر هوای محیط زیست، این درّ گرانبها را داشته باشیم!

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷ - ۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



آبادان، شریک غم شمائیم

علی اسماعیلی



از روزی که میگ عراقی آمد و موشک زد توی دل پالایشگاه و خانه های محله جمشید آباد و امیریه و ... ، تو داری زیر آوار دنبال عزیزای دلت می گردی! چهل و یک ساله که از آن روز اولش می گذرد! اما هنوز صدای شروه «یوما یوما» دارد از کوچه پس کوچه های شهرت می آید!

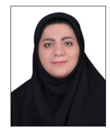


اما درد اینه اون روز بعثی ها زدند گفتی دشمنه! «دریا قلی» که خبر آورد عراقی ها دارند می آیند! بلند شدی سینه سپر کردی! ایستادی! جانانه هم ایستادی! سیصد و پنجاه روز دور تا دور تو تانک های بعثی ها هی کوبیدن و تو هی جوان دادی اما ... ایستادی تا یک بعثی پایش را نگذارد توی خیابون های شهرت.

آبادان .... سوختم سی سوختنت!

دوباره تو خیابون امیریه صدای آه و ناله و فغان بلند است! دوباره زیر آورها دنبال عزیزای دلت می گردی! متروپل که فرو ریخت، نگاهی به آسمون کردی! نه خبری از میگ عراقی بود! نه پشت نخلستون ها تانک هاشون! از کجا خوردی پس؟ می دانم خسته ای! دوباره کمر شکسته ای! شرمنده که نمی توانم در کنارتان آن جا باشم تا شاید سنگی از روی آوار بردارم. آبادان، شریک غم شماییم.

اشک ماتم برای آبادان



مائده قیم

حال و روز این روزهایمان خوب نیست. ما که از دار دنیا یک پدر بزرگ و مادر بزرگ پیر داریم ، دیروز برای احوال پرسی خدمتشان تماس گرفتم. به پدر بزرگ گفتم : گوشی را به بی بی جان بدهید.

باباجی با صدای غم آلود گفت: بی بی حال ندارد و از دیروز مدام گریه می کند و می گوید منصور کجایی ، یاسر کجایی؟ آخر او یک زن است و تا آخرین لحظات زندگی اش یاد پر پر شدن جوانانی می افتد که آنها را در کوچه و خیابان و محله هم بازی فرزندانش می دید.

منصور و یاسر عمو و دایی من هستند که در جنگ تحمیلی به مقام رفیع شهادت نائل شدند.

تاریخ امروز دوباره تکرار شد.

دل مادران دوباره به جوش آمد.

ای کاش آنان که در پست مسئولیت قرار گرفته اند یک لحظه به یاد چشمان مادری داغدیده، جنگ زده ای آواره و همه چیز از دست داده بیفتند.

امروز خیابان امیری بوی مرگ می دهد امروز مردم حال و توان ندارند. دروغ نگویم حال و روز خودمان هم بهتر از بی بی نیست.

شب ها وقتی می خواهم چشمانم را ببندم یاد کافه چی متروپل می افتم.

ای کاش هیچ گاه در این کوچه قدم نمی گذاشتم. سالها بود که برای خرید به این خیابان می



رفتیم بعد از چهل سال هیچ تغییری نکرده بود مگر می شود در این سه سال کرونا، آبادان آن قدر تغییر کند! چه مسئله ای وجود دارد؟

ما که از عوام هستیم وقتی از کنار این سازه رد می شدیم با خنده به هم می گفتیم: کژ و معوجه ها!

برای یک خانه کلنگی شش ماه مردم را معطل می کنید، چگونه برای یک برج دو قلوی ده طبقه به این سرعت مجوز ساخت می دهید؟ این جا دیگر بوی تعفن و نیرنگ می دهد.

بلی؛ پدران و مادران و پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها امروز یک چشم آه و یک چشم خون می گریند به یاد امثال منصور ها و یاسرها و صدها جوان غلتیده به خون شهید آبادانی. از سینما رکس بگیرید تا دفاع مقدس...

آنها به یاد آواره گی و بی خانمانی و غربت همشهریانشان اشک ماتم می ریزند و آه و فغان از دل و دهان بر می کشند.

امروز با تک تک مادران فاجعه متروپل ما می گرییم.

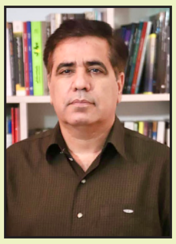
و تاریخ تکرار می شود جوانان ما برای آواربرداری و یاری رسانی عازم محل می شوند.

لذت و پول را کسانی دیگر می برند

و سهم ما ما خون و جان دادن است.

سلامی و کلامی... یونس قیصی‌زاده

در کنار مردم آبادان



فروپاشی برج‌های دو قلوی متروپل در آبادان همانند خنجری زهرآگین از غم و درد بر قلب ایرانیان نشست، احتمالاً ایرانیان بیشترین دلبستگی را به آبادان و خرمشهر و خوزستان دارند، مردان زیادی از سراسر کشور هنگامی که جوان بودند از وجب به وجب خاک آن جا خاطراتی دارند که ممکن است دیگر هرگز در زندگی‌شان تکرار نشود، از شب و روزهای آن جا چیزهایی در یاد دارند که تا آخر عمرشان از ذهن‌شان نمی رود، بهترین سالهای عمرشان را برای دفاع از این کشور در سنگرهای شهر و روستا و بیابانهای همین خوزستان گذرانده‌اند و آبادان و خرمشهر را زمانی دیده‌اند که جز صدای گلوله و خمپاره و موشک، صدای دیگری در آن شنیده نمی‌شد، و البته بسیاری از مادران، همسران، فرزندان و خواهر و برادران و دیگران نیز گرچه در آن زمان در خوزستان و خرمشهر و آبادان نبودند، ولی دلشان با عزیزانشان که آن جا بودند، پر میزد و لحظه به لحظه حواسشان به خوزستان بود.

پس گزاف نیست اگر بگوییم خوزستان و آبادان و خرمشهر، عزیزترین هستند برای بسیاری از مردم ایران و اکنون که آوار بر سر آبادانی‌ها فرو ریخته گویا آوار بر سر همه ما فرو ریخته، غمی که بر دل آنان باریدن گرفته، باعث بغض بسیاری از هموطنان شده، و افسوس اینکه سال ها بعد از قطع صدای گلوله و توپ، این بار صدای ریزش ساختمانی عظیم باعث کشتار و فغان شده است.

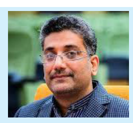
آن چه در مصیبت آبادان گذشت، زنگ خطری است برای این که متوجه شویم دیگر اطمینان چندانی به طی مراحل طراحی فنی پروژه ها نیست، هشداری است که دیگر اطمینان چندانی به رعایت استانداردها نیست، دیگر اطمینان چندانی به نظارت فنی نیست و هر لحظه ممکن است که ساختمانی فرو ریزد و پلی خراب شود و جایی آتش بگیرد و جانهایی ستانده شوند، در حالی که به ظاهر تایید مراحل فنی و نظارتی و استانداردها را نیز داشته‌اند.

از این مصیبت پیش آمده باید درس عبرت گرفت و به وخامت اوضاع پی برد و با شناسایی آن چه باعث این رخداد تلخ شد، سعی در اصلاح و تجدید نظر جدی و اساسی برای جلوگیری از تکرار آن کشور گرفت.

متاسفانه منافع فردی چنان بر بسیاری از امور حاکم شده که برخی با سوء استفاده از نیازی که به سرمایه گذاری و تولید و اشتغال در این شرایط خراب اقتصادی ناشی از تحریم‌ها در کشور هست، با استفاده از رانت‌های پنهان و آشکار، مردم و سلامتی و زندگی آنها را بازیچه خود قرار داده‌اند و حادثه متروپل آبادان نمونه تلخی از آن است که چگونه پروژه‌ای که می توانست باعث اشتغال و رونق و تفریح شود، به تابوت مرگ تعدادی از هموطنان و داغدار نمودن خانواده آنها تبدیل شد.

مردم آبادان تسلیت مردم بوشهر را در این مصیبت بزرگ پذیرا باشند و ما را شریک غم خود بدانند و صدای بغض ما را در این ماتم در نوای حزین سنج و دمامی که در بوشهر نواخته شد، بشنوند.

آبودان... همدردیم و شریکیم توی این غم



شاهین بهرام نژاد

جنگ که شد، توی هر نیمکت کلاس، حداقل یه همکلاسی آبادانی داشتیم. بنچاری، دشتی‌نژاد، پورحیّاوی، حمیداوی، آلبوغبیش، کعبی و ... خوشتیپ‌های مدرسه بودند. شلوارهای خمره‌ای و ساسون‌دار و دمپا پاکتی. این شد که شلوارمون رو می‌بردیم خیاطی آبادان بالای پاساژ توحید. می گفتیم آبادانی بدوزش.

دیگه لهجه‌ی بچه‌های آبادان هم ورد زبونمون شده بود؛ سلام کا! خوبی، سِلامتی؟ با بچه‌هاییم.

اسم لین یک احمدآباد، کوی ذوالفقاری، بریم، بوارده، امیری و حتی تانکی ابوالحسن هم یاد گرفتیم. وقتی می‌رفتیم خونه رفیقای آبادانی، ننه‌شون تو قلیه‌ماهی رب یا تماته می‌ریخت و ما هم مزه‌ی جدیدی از قلیه رو تجربه می کردیم.

هر جنس خارجی هم که می‌خواستیم و پیدا نمی‌شد تو بوشهر، بازار جنگزده‌ها سه سوت پیدا می‌کردیم.

بعداً که بازی احمد رزمی و احمد تورانی را توی شاهین دیدیم، فهمیدیم که الکی لاف نمیان میگن: آبودان برزیلته.

بعد هم اربعین ناصر تقوایی را دیدیم که بخشوی ما را نشون می‌داد.

سازدهنی و دونده‌ی امیر نادری...

دیگه بزرگ شدیم. خیلی از رفقامون همین جا ازدواج کردن، بعضیا هم برگشتن وگفتن سینه‌زنی فقط حسینیه‌ی بوشهری‌های آبودان.

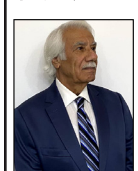
حالا که فکرش رو می کنم، می‌بینیم آبادان و بوشهر مثل دو تا ککا هستن. خیلی از رفقامون آبا و اجدادی اهل دشتی و تنگستون و دشتستون بودن که رفتن توی پالایشگاه کار کردن.

الان هم هر وقت هوس فلافل کنم می‌رم فلافلی آبادان. فالوده هم بخوام می‌رم فالوده آبادان. آبادانی لاف خو نه، عزت داره، غرور داره ... ککا خدا رو کولت. همدردیم و شریکیم توی این غم. یکی باید به مانم تسلیت بگه.



باز آبادان

عبدالمجید زنگویی



باز آبادان
نقل مجلس، نقل عالم شد
دردهایش لمس کردم
در میان موج و توفان ها
آه!
شهر محروم از هوای پاک و
از آب و سراب آلود!
باز فریاد آر
باز هم بنواز
با صدای پر غرور و شور دمامت
با نوای بوق و کرنایت
با خروش نیک آوایت
خواب را بزدای
از
چشمان خواب آلود و خفته در هوای شام
شهر پر آوازه و آواز!
اینک مانده در دوزخ!
قصه های نامرادی را به پرواز آر
تا دورهای دور
تا به عمق تیره ی آفاق
تا جهان داند که بیداری و داد خویش می خواهی
ای خراب از دست های «عبد القادرها»